

رویکرد دادگستری استان خوزستان
در اعمال مقررات ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی
کیفری

تدوین:

منیره محلوچی

قاضی مشورت دادگاه خفیه و کارشناس تهیه گزارشات ماده ۴۷۷ دادگستری کل استان خوزستان

بیر خلیان

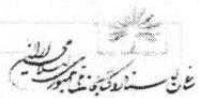
معاون قضایی رئیس کل دادگستری استان خوزستان و دبیر کمیسیون ماده ۴۷۷

زیر نظر:

فرهاد افشار نیا

رئیس کل دادگستری استان خوزستان

بهار ۱۳۹۸



سرشناسه	محلوجی، منیره، ۱۳۵۸، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	رویکرد دادگستری استان خوزستان در اعمال مقررات ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری
مشخصات نشر	تدوین: منیره محلوجی، امیر خلیفیان؛ زیر نظر: فرهاد افشارنیا
مشخصات ظاهری	تهران: یادگار قلم، ۱۳۹۸.
شابک	۸۲۶ ص.
وضعیت فهرست نویسی	978-622-95606-0-0
موضوع	فنی
موضوع	آیین دادرسی جزایی -- ایران -- تفسیر و استنباط
موضوع	Criminal procedure -- Iran -- Interpretation and construction
موضوع	ایران. وزارت دادگستری. اداره کل دادگستری استان خوزستان
موضوع	دادگاه‌های جزایی -- ایران -- خوزستان
موضوع	Criminal courts -- Iran -- Khuzestan
موضوع	اجرای عدالت -- ایران -- خوزستان
موضوع	Justice, Administration of -- Iran -- Khuzestan
شناسه افزوده	خلیفیان، امیر، ۱۳۵۴، گردآورنده
شناسه افزوده	افشارنیا، فرهاد، ۱۳۴۸.
رده بندی کنگره	KMH۱
رده بندی دیویی	۳۴۷/۵۵۰۲
شماره کتبخانی ملی	۴: ۱۷۷



● رویکرد دادگستری استان خوزستان در اعمال مقررات ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری

■ تدوین: منیره محلوجی، امیر خلیفیان

■ زیر نظر: فرهاد افشارنیا

□ صفحه آرایی: دکتر محمود خاکساری مهابادی و خدیجه علوانی

□ ناشر: یادگار قلم

□ چاپ: احسان

□ نوبت چاپ: اول، ۹۸

□ شمارگان: ۳۰۰ جلد

□ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۶۰۶-۰۰۰

تهران، خیابان شریعتی، نبش سه راه طالقانی ساختمان ۴۳۸، طبقه همکف

تلفن: ۷۷۵۲۴۵۴۰-۱

۰۹۱۲۸۳۸۱۹۷۹ - ۰۹۱۲۲۵۱۹۲۶۸

سابقه تدوین و تصویب ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ در سال ۱۳۶۱ ملاحظه می گردد. در این سال مقنن با وضع ماده ۲۸۴ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری و پیش بینی موارد سه گانه، احکام دادگاه ها را قابل نقض و تجدیدنظر اعلام داشته است. متعاقب آن ماده ۸ قانون تجدیدنظر آرای دادگاه ها مصوب سال ۱۳۷۲/۵/۱۷ و ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ موارد سه گانه را پیش بینی نموده است. ماده ۱۸ با تصویب ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی در سال ۱۳۷۹ نسخ و موارد سه گانه بالا در ماده ۳۲۶ قانون اخیر الذکر با اندک تغییری به تصویب رسید. در امور کیفری نیز موارد سه گانه برابر ماده ۲۳۴ آن آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ مورد توجه مقنن قرار گرفته بود. با این وجود و با اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۸۱، به موجب ماده ۳۹ قانون مزبور تمامی مقررات سابق در این خصوص نسخ و به جای تمامی آن ها، ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱ به تصویب رسید. به موجب تبصره ۲ از ماده ۱۸، امر رسیدگی در این گونه موارد به شعب تشخیص محول گردید. پس از مدتی و لحاظ از احواله دادرسی و تجمع بالای پرونده های قضایی، در سال ۱۳۸۵ قانون مزبور مجدداً اصلاح و با حذف شعب تشخیص اختیار تشخیص خلاف بین شرع صرفاً به رئیس قوه قضائیه واگذار گردید. هرچند که ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب سال ۱۳۷۱ نیز به این مهم اشاره صریح داشته است. با این وجود آخرین اراده قانونگذار در رسیدگی فوق العاده به احکام قطعیت یافته در ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ تبلور یافت. این ماده مقرر

می دارد: «چنانچه رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هریک از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال می نماید تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر شود. شعب خاص مذکور مبنیاً بر خلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل آورده و رأی مقتضی صادر می نمایند» در مفاد ماده مزبور ابهاماتی از جمله در عبارت «خلاف شرع بین» مشاهده می گردد. بهرحال مراد قانونگذار از عبارت مزبور چیست؟ با رجوع به سابقه تقنینی این ماده و با استناد به تبصره ۱ ماده واحده استفساریه ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه عالی عمومی و انقلاب مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۸۷، خلاف بین شرح این گونه آیین شده است: «مراد از خلاف بین شرع، مغایرت رأی صادره با مسلمات فقهی است و در موارد اختلاف نظر بین فقها ملاک عمل، نظر ولی فقیه و یا مشهور استماعی و اهل بود. با این تفسیر دایره آرائی که مشمول ماده ۴۷۷ می گردد محدود به آراء خلاف مسلمات فقهی، نظر ولی فقیه و یا نظریه مشهور فقها می گردد. وانگهی از دیدگاه بهرحال، صاحب نظران حقوقی این ماده با حاکمیت اصل اعتبار امر مختومه مغایرت دارند؛ در صلابت و استحکام آراء قطعیت یافته را متزلزل می نماید. عده ای دیگر نیز بر این عقیده اند که اصل اعتبار امر مختومه در حقوق شرعی جایگاهی نداشته و اصول و موازین شرعی، در هر زمانی استیفای حق ضایع شده را جایز شمرده است. با این حال در اعمال و به کارگیری ماده قانونی مزبور باید به قدر متیقن اکتفا و از توسعه و تفسیر موسع آن که موجبات زوال و تزلزل احکام قضایی خواهد شد، اجتناب نمود.

مجموعه ای که تحت عنوان «رویکرد دادگستری استان خوزستان در اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری» در دو بخش حقوقی و کیفری گردآوری و تدوین شده است؛ نتیجه نظریات و دیدگاه های ارزشمند قضات برجسته استان

بوده که پس از طرح در کمیسیون مربوطه در نهایت با پشتوانه فقهی و قانونی انشاء و به محضر ریاست محترم قوه قضائیه ارسال گردیده است. برآیند این نظریات ارائه الگوهای صحیح فن استنباط قضایی و دیدگاه‌های مختلف در موضوع واحد می‌باشد که انشاء الله مورد استفاده جامعه حقوقی کشور به ویژه قضات محترم قرار گیرد. امید است این کتاب مورد اقبال و عنایت همکاران معزز و ارزشمند قضایی قرار گرفته و ما را با ارائه نقطه نظرات و پیشنهادات سازنده خود در تهیه و چاپ مطلوب‌تر مجلدات بعدی مساعدت فرمایند. در پایان برخود لازم می‌دانم که از کلیه همکاران ارجمند قضایی آقایان محمد تقی نوری‌نژاد ریاست محترم شعبه بیست و دوم تجدیدنظر خوزستان، نعمت‌الله بهروزی و امیرخلفیا معادین محترم قضایی دادگستری استان به عنوان دبیران کمیسیون ماده ۴۷۷ و همچنین سرکار خانم منیره محلوجی مشاور محترم قضایی دادگاه خانواده و کارشناس قضایی محترم، گزارشات کمیسیون مذکور که در تدوین و چاپ این مجموعه نهایت دقت را داشته‌اند؛ صمیمانه سپاسگزاری و قدردانی می‌نمایم.

اشاره

رئیس کل دادگستری استان خوزستان